

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونگه ولت - گزینش و برگردان از: رضا نافع

فرستنده: جهانگیر محبی

۱۱ می ۲۰۱۲

کودتا در اسرائیل

علیه مدافعان حمله به ایران

در برخی از کشورها رئیس جمهور را دستگیر و دفترکار او و فرستنده های تلویزیونی را اشغال و قانون اساسی را ملغی اعلام می کنند. پس از آن اعلامیه شماره یک را منتشر می سازند و در آن اعلام می دارند که ضرورت عاجل حکم می کرد که برای نجات ملت دست به کار شوند و قول می دهند که دموکراسی و انتخابات و غیره و غیره را به اجرا بگذارند. در دیگر کشورها کار را مخفیانه انجام می دهند. این افسران را معمولاً "خونتا" می خوانند. "خونتا" یک واژه اسپانیایی است که معنی کمیته می دهد و ژنرالهای آمریکای جنوبی آن را به کار می بردند. نام این شیوه در آلمان و سوئیس "پوچ" است. (در زبان فارسی این اعمال را کودتا می خوانند. م) وجه مشترک در تقریباً تمام این عملیات ضربه زنی این است که عاملان آن برای فریب مردم پای جنگ را به میان می کشند. سیاستگران بدون تردید متهم به بی جرأتی و شکست طلبی می گردند، متهم می گردند که این که قادر به دفاع از حیثیت ملی نبوده اند و سخنان دیگری از این دست.. اما در اسرائیل این طور نیست. آنچه ما امروز در اسرائیل شاهد آن هستیم این است که گروهی از ژنرال های ارتش چه آنها که هنوز بر سر کارند و چه آنها که در گذشته صاحب منصب بوده اند و رؤسای سازمانهای اطلاعاتی همه با هم به پا خاسته اند و زبان به اعتراض گشوده اند. همه آنها اظهارات دولت را مبنی بر آغاز جنگ علیه ایران محکوم می کنند و برخی از آنان این غفلت دولت را نیز محکوم می کنند که باب مذاکرات صلح با فلسطینی ها را باز نکرده است

سیاستگران بی کفایت

آغاز گر این شورش شخصی بود که کسی اصلاً فکرش را هم نمی کرد: مه ایر داگان، رئیس سابق موساد. داگان هشت سال، یعنی بیشتر از اغلب همکاران خود، در رأس این سازمان بود، که می توان آن را با دستگاه ام. آی. ۶.

انگلیس مقایسه کرد که ویژه امور اطلاعاتی در خارج کشور است. واژه "موساد" یعنی مؤسسه. تا کنون هیچ کس داگان را متهم به صلح دوستی نکرده است. در زمان ریاست او بر موساد، این سازمان دست به عملیات ضربتی متعددی زده بود از جمله علیه دانشمندان ایرانی و حملات اینترنتی. این شخص که دست پروده آریل شارون است به هواداری از شدید ترین سیاست های تعرضی معروف بوده است. و امروز که بازنشسته شده است با شدیدترین الفاظ با نقشه های دولت برای حمله به تأسیسات اتمی ایران مخالفت می کند. او با الفاظی صریح گفت: "این احمقانه ترین فکری است که من در طول عمر خود شنیده ام."

هفته گذشته، رئیس سابق "شین بت"، روی دست داگان بلند شد. شین بت (سازمان امنیت اسرائیل برای درون کشور است که با ام. آی. ۵. انگلیس قابل مقایسه است) کار این سازمان در درجه اول زیر نظر داشتن فلسطینی ها در خاک اسرائیل و در مناطق اشغالی است. یو وال دیسکین، رئیس سابق این سازمان که اخیراً بازنشسته شده است، قبلاً شش سال در رأس این سازمان قرار داشت و معروف بود به رئیس خاموش این سازمان. او را با موهایی تراشیده شده اش، فقط هنگام ورود و خروج از مؤسسه می شد دید. او را پدر "قتل های هدفمند" می دانند و سازمان او متهم بوده است به این که به شدت و وسعت دست به شکنجه می زده است. تا کنون کسی او را به این متهم نکرده است که با عرب ها رفتاری ملایم داشته است.

اینک او نظرش را اعلام کرده است. و برای بیان نظراتش محلی بسیار غیر معمول را انتخاب کرد: پاتوق ده بیست نفر از بازنشستگان را در کافه ای در یک شهر کوچک. به نظر دیسکین - و کیست که از او مطلع تر باشد؟ - امروز رهبری اسرائیل در دست دو سیاستگر بی کفایت قرار دارد که اسیر توهمات آخرزمانی هستند و از درک واقعیت بسیار به دورند. نقشه آنها که می خواهند به ایران حمله کنند منجر به یک فاجعه جهانی خواهد شد. این سیاست نه تنها با شکست مواجه خواهد شد و نخواهد توانست مانع تولید بمب توسط ایران گردد، بلکه به عکس موجب خواهد شد که ایران بر تلاشهای خود بیفزاید و پیش برود با این تفاوت که این بار از حمایت جهانی نیز برخوردار خواهد بود.

دیسکین از داگان هم جلو تر می رود. او گفت تنها عاملی که مانع مذاکرات صلح با فلسطینی هاست، خود نتانیاهو است. اسرائیل می تواند با محمود عباس به صلح دست یابد. او این موقعیت تاریخی را از دست می دهد و با این کار بر سر اسرائیل فاجعه نازل می کند.

کارشناس شماره یک و رسمی اسرائیل برای شناخت فلسطینی ها دیسکین بوده است. سازمان او تمام دلائل، گزارش های جاسوسی، نتایج بازجویی ها و اطلاعات حاصل از شنود ها را در اختیار داشت. دیسکین برای آن که جای هیچ شک و تردیدی در سخنان خود باقی نگذارد گفت: او "نتانیاهو" و "اهود باراک" را از نزدیک می شناسد و اعتمادی به آنها ندارد و آنها را فاقد شایستگی لازم برای بیرون بردن یک ملت از بحران می داند. او همچنین گفت که آنها مردم اسرائیل را آگاهانه گمراه می کنند و این را هم ناگفته نگذاشت که آنها زندگی بسیار پر تجملی دارند.

حمله متقابل

هر کسی که فکر می کرد این دو با اتهاماتشان تنها خواهند ماند و مجموعه رؤسای سازمانهای امنیتی در گذشته و امروز یک صدا علیه آنها به پا خواهند خاست و اتهامات آن دو را محکوم خواهند کرد، سرش به سنگ خورد. رسانه ها به نقل قول از آن کارشناسان پرداختند و یکی بعد از دیگری سخنان آن دو را در کلیتش مورد تأیید قرار دادند، البته به سبک خودشان. حتی یک نفر از آنها نیز نه به بحث در باره نظرات آنها پرداخت و نه آن نظرات را

تکذیب کرد. رئیس کنونی ستاد ارتش و رؤسای کنونی موساد و شین بت اعلام کردند که آنها نیز نظرات آن دوفنر را در مورد ایران تأیید می کنند. تقریباً تمام رؤسای پیشین و از جمله رؤسای پیشین ستاد ارتش در همین اواخر، به رسانه ها گفتند که آنها نیز با آن دو هم نظرند. ناگهان در اسرائیل یک جبهه واحد از رؤسای با تجربه سازمانهای اطلاعاتی علیه جنگ با ایران پدید آمد.

طولی نکشید که حمله متقابل شروع شد. آتشباری تمام عیار مرکب از سیاستگران و نویسندگان خورده پای رسانه ها به میدان آورده شد. کار آنها همان بود که هر وقت اسرائیل با مسائل و یا استدلال های جدی روبه رو می شود به آن متوسل می گردد. هیچ کدام از آنها به اظهار نظر در باره اصل مسأله نپرداختند، بلکه توجه را به جزئیات بی اهمتی سوق دادند و آنوقت دست به قلمفرسائی های بی پایان زدند. تقریباً هیچ یک از آنها پاسخی برای رد کردن ادعای افسران اسرائیلی نداشتند. نه در مورد پیشنهاد حمله به ایران و نه در مورد مسأله فلسطینی ها. آنها به جای پاسخ دادن به مسائل طرح شده، گویندگان را مورد حمله قرار دادند. گفتند داگان و دیسکین اوقاتشان تلخ شده، چون قرارداد خدمت آنها تمدید نشده است. گفتند آنها احساس می کنند که تحقیر شده اند، و با این سخنان می خواهند دلخوری شخصی را جبران کنند و حرفشان ناشی از بدجنسی و انتقامجویی است. اگر آنها به نخست وزیر اعتماد ندارند چرا وقتی که سرکا بودند بلند نشدند و حرفشان را نزدند؟ چرا قبلاً این حرف ها را نزدند؟ اگر مسأله، مسأله مرگ و زندگی است پس چرا صبر کردند و همانوقت نگفتند؟

مردی که مشاوران امنیتی او را متهم به داشتن اعتقادات آخرزمائی و ظهور نجات دهنده می کنند، در هفته گذشته با مصیبتی شخصی روبه رو شد. پدر او بن صیهون نتانیا هو در سن ۱۰۲ سالگی درگذشت. تردیدی نیست که پدر بر پسر نفوذ زیادی داشت. او مؤرخ بود و تمام زندگی روشنفکرانه اش بر یک موضوع متمرکز بود: تفتیش عقاید اسپانیائی - فصل دردناکی در تاریخ یهود و قابل قیاس با هولوکاست. بن صیهون نتانیا هو از راستگرایان افراطی بود، و مقهور این فکر که ممکن است یهودیان در هر لحظه به کلی نابود شوند و به همین دلیل هیچ فرد غیر یهودی قابل اعتماد نیست. پدر بسیار تلخکام و سر خورده بود. جامعه آکادمیک اورشلیم (بیت المقدس) او را هیچ گاه به عنوان مؤرخ نپذیرفته و نظرات او را رد کرده بود. مجموعه این عوامل در ساختن خصلت و جهان بینی "بی بی" مؤثر بوده اند. این که بنیامین نتانیا هو امروز دائم از دومین هولاکاستی که در راه است سخن می گوید و از این می گوید که وظیفه تاریخی او پیشگیری از این واقعه است، فقط یک حيله سیاسی برای منحرف کردن اذهان از مسأله فلسطین و یا تضمین ادامه حیات سیاسی خود نیست. گرچه این فکر هراسناک است - ولی ممکن است او واقعا به آن اعتقاد داشته باشد. آنوقت تصویری که به ذهن آدمی می آید درست همان چیزی است که یووال دیسکین ترسیم کرده است: خیالپردازی اسیر هولاکاست و فاقد ارتباط با واقعیت، بی اعتماد به هر غیر یهودی، که می کوشد تا پا در جای پای پدر یکدنده و افراطگرای خود بگذارد - رویهم رفته شخصی است خطرناک و نامناسب برای هدایت یک ملت و بدر بردن آن از یک بحران واقعی. ولی همین شخص، آنگونه که نظرخواهی ها نشان می دهند، در انتخاباتی که چهار ماه دیگر صورت می گیرد، برنده خواهد شد

<http://www.jungewelt.de/2012/05-07/001.php>